جناب آقا محمّد جواد علیه بهآء اللّه

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الاقتدار

یا جواد علیک بهآء اللّه مالک الایجاد لازال بخدمت امر مشغول بوده و هستی جمیع واردین و قاصدین و زائرین ذکرت را نموده‌اند جناب امین ابوالحسن اردکانی علیه بهائی از قبل و بعد ذکر شما را نموده و این امور گواهیست صادق و شاهدیست ناطق بر اقبال و توجّه و استقامت آنجناب از حقّ میطلبیم ترا در جمیع احوال مؤیّد فرماید و از اثر قلم اعلی حیات باقیه بخشد و آن ذکر حقّ جلّ جلاله بوده و خواهد بود اوست وارث حقیقی و ذرّیّهٴ معنوی هر اثری محو شده و میشود جز اثر قلم اعلی که بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است یا جواد لعمر اللّه این مظلوم از اوّل امر تا حین راحت ندیده و آسایش نداشته هر یوم ضرّی وارد و بلائی نازل حزب اللّه شاهد و گواهند از اوّل یوم ظهور الی حین امام وجوه عالم من غیر ستر و حجاب قائم و کل را بافق اعلی راه نمودیم قد انزلنا الدّلیل و اوضحنا السّبیل علی شأن لا ینکرهما الّا من کان محروماً عن السّمع و البصر و الفؤاد یا جواد نهر اسماء عباد را از بحر معانی محروم نموده احزاب عالم هر یک بوهمی متمسّک مگر نفوسیکه فی‌الحقیقه بخدمت عالم قیام نموده‌اند و قلب را از ضغینه و بغضا مطهّر داشته‌اند ایشانند ایادی امر حقّ بین خلق باری خلیج اسماء مانعست تا عباد از لیلهٴ دهما آزاد نشوند انوار صبح نورانی را ادراک ننمایند بعد از انتظارها و تشبّثها و نالها و طلب و اشتیاق چون فجر امید دمید و سدرهٴ مبارکه روئید جمیع با اسیاف ضغینه و بغضا توجّه نمودند و وارد آوردند آنچه را شنیده‌اید و دیده‌اید ای کاش کون آدم از عالم قطع میشد و این ظلم کبیر و امثال آن ظاهر نمیگشت یا جواد علیک و علی من معک بهائی ظاهر شدیم و فساد و صلاح عالم را ذکر نمودیم و نطق فرمودیم بآنچه که مقصود از خلق آذان اصغاء آن بوده مع‌ذلک ناس در وهم عظیم و ظنّ کبیر مشاهده میشوند اصبع قدرت چه مقدار حجابها را خرق نمود و شقّ فرمود ولکن حال ملاحظه میشود اهل بیان باوهام قبل قیام نموده‌اند و سبحات و حجبات اغلظ از اوّل بمیان آمده و حائل گشته بعد اذ علّمناهم سبلهم المضطربة و عرّفناهم سبیلی الواضح المستقیم الی حین یوم اللّه را ادراک ننموده‌اند و بتوحید حقیقی فائز نشده‌اند بعضی از ناس مشاهده میشوند از تغرّدات حمامهٴ بیان که بر اعلی غصن عالم مغرّد است ممنوعند و بطنین ذباب مشغول هر یوم بحبلی متمسّک و بذیلی متشبّث از حقّ جلّ جلاله میطلبیم ابصار قلوب را از اشراقات انوار فجر ظهور محروم نفرماید و کل را از شبهات و اشارات عالم فارغ و آزاد نماید لازال آنجناب و اولیای حقّ تحت لحاظ بوده‌اند فراموش نشده و نمیشوند الحمد للّه بخدمت امر مؤیّد شدی نسئله تعالی بأن یمدّک بأسباب السّموات و الأرض انّه علی کلّ شیء قدیر و بالاجابة جدیر قد احزننی ما ورد علیکم فی ایّام اللّه ربّ العالمین قد ورد علینا ما ورد علیکم یا قلمی الأعلی اذکر عباد اللّه و امائه بما تبقی به اسمائهم و اذکارهم بدوام الملک و الملکوت ثمّ اشکر ربّک بما ایّدک و انطقک علی انّه لا اله الّا انا المهیمن القیّوم

ثمّ اذکر ورقتی الّتی صعدت الی الذّروة العلیا و الرّفیق الأعلی و بشّرها بعنایة ربّها انّه هو الغفور الرّحیم و قل

النّور المشرق من افق سمآء البیان علیک یا امة الرّحمن و ورقة السّدرة الّتی تنطق امام الوجوه الملک للّه مالک الوجود نشهد انّک کنت فی بیت ارتفع فیه ذکر اللّه فی ایّام فیها اخذت الزّلازل کلّ القبائل الّا من شآء اللّه مالک الملوک انت الّتی سمعت النّدآء و اجبت مولیک و اقبلت الی افق اعرض عنه کلّ غافل محجوب و شربت رحیقی المختوم و وجدت نفحات اسمی القیّوم و شهدت بما شهد اللّه و اعترفت بما نطق به لسان العظمة فی مقامه الممنوع افرحی بهذا الذّکر الأعظم الّذی لا تعادله کنوز العالم یشهد بذلک کلّ الأشیآء و انا الشّاهد الخبیر یا امتی علیک بهائی و ذکری و ثنائی نسئل اللّه تعالی بأن ینزل لک فی کلّ حین ما ینبغی لسمآء کرمه و بحر جوده انّه هو المقتدر علی ما یشآء لا اله الّا هو الحقّ علّام الغیوب

یا جواد علیک بهائی انّا نعزّیک و من فی بیتک فیما ورد علیکم

و نذکر احمد و نبشّره باقبالی الیه من هذا المقام المحمود یا احمد انّا ذکرناک و نذکرک و نوصیک بالصّبر و الاصطبار انّ ربّک هو العزیز المختار بلسان پارسی ذکر میشود دنیا را وفا نبوده و نیست و این کلمه‌ایست کائنات بآن تکلّم نموده‌اند و مع‌ذلک باو مشغول و از حقّ غافل یا احمد کن فی کلّ الأحوال ناظراً الی افقی و ناطقاً بثنائی و قائماً علی خدمة امری و متمسّکاً بحبلی المتین اگرچه از فضل بی‌منتهای الهی فائزید بآنچه اکثر خلق از آن محرومند سبحان‌اللّه الی حین اهل بیان و علمای ارض از یوم اللّه آگاه نه قل هذا یوم اللّه لو انتم تعرفون و هذا عهد اللّه لو انتم توقنون تمرّ علیکم آیاته و انتم لا تشعرون بگو قدر ایّام را بدانید امروز اشجار ناطق و اثمار هویدا لعمر اللّه یوم توجّه و اقبالست چه که هیکل فضل بر عرش عدل مستوی و رایة قد اتی الحقّ مابین خلق مرتفع و منصوب ناس متذکّر لازم دارند هزار و دویست سنه بظنون و اوهام تربیت شده‌اند بسیار مشکل است شکستن اصنام اوهام الّا بقوّة اللّه و قدرته طوبی از برای بصریکه ملاحظه نماید و نفسیکه تفکّر کند در آنچه مابین حزب قبل بوده اگر آگاه شود خود را بر نمارق استقامت جالس مشاهده نماید طوبی للمتفکّرین طوبی للمنصفین

یا معصومه انشآءاللّه بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز باشی لعمری اسماء اماء قانتات در صحیفهٴ حمرا از قلم اعلی مرقوم و مسطور ایشان از رجال مقدّمند عنداللّه چه بسیار از ابطال و فوارس مضمار که از حقّ محروم و از عرفانش بی‌نصیبند و شما بآن فائز و مرزوق له الحمد فی کلّ الأحوال لازال مذکور بوده و هستی

و نذکر ضلع الجواد علیه و علیها بهائی و رحمتی و عنایتی لتشکر ربّها فی اللّیالی و الأیّام یا امتی لحاظ حقّ بآن بیت متوجّه بوده کل در ظلّ سدرهٴ عنایت الهی ساکن و مستریح امروز سیّد ایّامست و مالک قرون و اعصار طوبی از برای نفسیکه شبهات معتدین و اشارات معرضین او را منع ننمود و محروم نساخت باستقامت تمام بحبل عنایت تمسّک نمود و بذیل فضل تشبّث جست جمیع اماء آن ارض را تکبیر میرسانیم و کل را به ما یحبّه اللّه وصیّت مینمائیم

یا عزّیّه علیک بهائی بذکر تو کتاب ختم شد ایّام حضور را فراموش منما لازال تحت لحاظ عنایت بوده و هستی کونی للّه فی کلّ الأحوال لا تنسی ما وصّیناک به فی الحضور اذکری المظلوم فی اللّیالی و الأیّام و ما ورد علیه من المعتدین و المشرکین محزون مباش ذاکر باش انّا نوصیک بالصّبر و السّکون و بالبهجة الّتی خلقت لأیّام ربّک الفیّاض العلیم الحکیم

یا اهل القاف یذکرکم فی هذا الحین قلم اللّه المهیمن القیّوم لتجذبکم نفحات الوحی علی شأن لا تمنعکم قدرة العالم و لا قوّة الأمم انّه هو الآمر المهیمن علی ما کان و ما یکون ایّاکم ان تحزنکم شؤونات المشرکین او تخوّفکم جنود الّذین انکروا حجّة اللّه و برهانه و کفروا بآیاته و ارتکبوا ما ناح به اهل الملکوت البهآء اللّائح المشرق من افق سمآء رحمتی علیکم و علی الّذین اقبلوا بالقلوب الی اللّه ربّ الغیب و الشّهود

یا جواد اهل قری را که ذکر نمودی کل را تکبیر برسان بگو یا حزب اللّه امروز استقامت محبوبست امر اللّه را بمثابهٴ لعب صبیان اخذ نموده‌اند مجدّد عمامه‌های سبز و سفید پیدا شده بمثابهٴ حزب قبل در ترتیب بیوت اوهام مشغولند باید اولیای حقّ با کمال روح و ریحان بر امر مستقیم باشند استقامتیکه عالم قادر بر منع نباشد

ابناء مرفوع مرحوم ملّا عبدالرّحیم علیه بهائی و عنایتی را از قبل مظلوم تکبیر برسان لدی الوجه مذکور بوده و هستند مکتوب جناب عبدالرّزّاق رسید طرف عنایت باو متوجّه لازال بعنایت حقّ فائزند وصیّت حقّ آنکه در جمیع احیان بروح و ریحان بتبلیغ امر مقصود عالمیان مشغول باشند البهآء علیک و علیهم و علی الّذین نزلت اسمائهم من القلم الأعلی فی هذا المقام الکریم و السّجن العظیم

اخت اسم جود علیه بهائی مع ابن اذن داده شد بشطر اقدس توجّه نمایند در جمیع احوال حکمت را از دست ندهند

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر